

پیشانی اندیشہای تکفیری

ترجمہ تطہیر المنہاج من التکفیر

مؤلف: عبداللہ دشتی
مترجم: کاظم حاتمی

سروشنامه: دشتی، عبدالله
 عنوان قرارداد: تطهیر المنهاج من التکفیر، فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: پرهیز از اندیشه‌های تکفیری / مولف عبدالله دشتی؛ مترجم
 کاظم حاتمی طبری.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۱۰-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا.

موضوع: تکفیر

موضوع: شوک

شناخته افزوده: حاتمی طبری، کاظم، ۱۳۴۷، - مترجمش

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰-۶۰۴۱-۵/۳-۲۲۵ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۳۶۸۷۹

پرهیز از اندیشه‌های تکفیری

تالیف:	عبدالله دشتی
مترجم:	کاظم حاتمی طبری
تدوین:	مرکز تحقیقات حج
ناشر:	مؤسسه فرهنگی هنری مشعر
چاپ و صحافی:	چاپخانه مشعر
توبیت چاپ:	۱ - بهار ۱۳۹۰
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
بها:	۱۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-540-310-0

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۱۰-۰

مراکز پخش و فروشگاه‌های مشعر:

تهران: تلفن: ۰۲۱-۶۴۵۱۲۰۰۳ / قم: تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۸۴۰۰

فهرست

۷.....	دیباچه.....
۹.....	مقدمه.....
۱۵.....	مباحث مقدماتی.....
۱۵.....	تکفیر به تهمت شرک.....
۲۰.....	عوامل انتشار اندیشه تکفیری.....
۲۱.....	تبیین دیدگاه تکفیری.....
۲۱.....	منظور از توحید در ربوبیت چیست؟.....
۲۲.....	منظور از توحید در الوهیت چیست؟.....
۲۲.....	اشکال بر این تقسیم‌بندی.....
۲۳.....	چرا تکفیری‌ها اکثریت امت را به شرک محکوم می‌کنند؟.....
۲۴.....	نتیجه این دو انفعای ویرانگر.....
۲۵.....	شیوه بحث.....
۲۶.....	تذکر یک نکته.....
۲۷.....	فصل اول: حقیقت توحید مشرکان در ربوبیت.....
۲۷.....	دلیل آنها بر توحید مشرکان در ربوبیت.....
۳۰.....	نقد این نظریه.....

نکته اول - تصریح آیات و روایات بر اعتقاد مشرکان به سودرسانی و زیان‌رسانی خداپاستان - ۳۰

نکته دوم - اعتقاد به وجود پسران و دختران برای خدای تعالی از عقاید مسلم مشرکان ۳۵

نکته سوم - استدلال قرآن به حصول ثَمَن در فرض وجود دو قدرت مستقل در جهان ۳۸

چرا مشرکان به توحید در ربوبیت اقرار کردند؟ ۴۳

نظر اول - پاسخ فطرت ۴۴

نظر دوم - این اقرار به ربوبیت خدا است، اما اقرار به یکتایی خدا در این امر نیست ۴۶

فصل دوم: آیا مسلمانان هم گرفتار شرک در الوهیت شده‌اند؟ ۵۰

عباداتی که ادعا شده است کنار قبور انجام می‌شود ۵۱

مبحث اول: قربانی و نذر ۵۱

مبحث دوم: دعا ۵۴

آیاتی که به آنها استدلال شده است ۵۵

مبحث اول: معنای دعا در آیات مورد استدلال ۵۹

۱. صدا زدن ۵۹

۲. نام‌گذاری و ادعا ۶۰

۳. طلب واستغاثه ۶۲

۴. عبادت ۶۳

خلاصه ۷۵

مبحث دوم: مقید کردن شرک بودن دعای مسئلت بر قدرت نداشتن غیر خدا

بر مورد دعا ۷۸

دو تذکر ضروری ۹۲

تذکر اول - شفاعت ربطی به شرک ندارد ۹۲

تذکر دوم: توسل ربطی به شرک ندارد ۹۴

سخن پایانی ۹۷



الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
اختلاف برداشت از متون در بین پیروان هر دین و آئینی همواره
رایج بوده و مسلمانان نیز از این اصل برکنار نیستند. از این رو،
اندیشمندان اسلامی تا زمانی که اندیشه جدید و اختلاف برداشت
نوسبب انکار اصلی از اصول اسلام نگردیده و یا موجب تغییر ماهیت
آن نشده باشد و مستند به کتاب و سنت و حکم عقل قطعی باشد، آن
را اندیشه اسلامی تلقی نموده و احکام اسلامی را بر صاحب آن
اندیشه جاری می کنند.

اما برخی جریان ها و گروه ها نیز گاه و بیگاه در امت اسلامی سر
برکشیده اند و معیار حق و اسلامیت را اندیشه خود دانسته و هرگونه
اندیشه مخالف را برنناییده و محکوم به کفر نموده اند. نمونه بارز این
جریانات را در صدر اسلام، در میان خوارج می توان یافت. این
جریان همواره برای امت اسلامی مشکل آفرین بوده است و امروزه

وهابیان نیز در این راه گام نهاده و هر گونه اندیشه و باور اسلامی را با محک ناصواب خود می‌سنجند و به راحتی حکم تکفیر و قتل و نابودی صاحب اندیشه را صادر می‌نمایند. اما معیارها و ضابطه‌های آنان برای تکفیر چیست؟ دلایل آن کدام است؟ و راه برون رفت از این گونه اندیشه‌ها چیست؟

این پرسش‌ها مباحثی است که محقق ارجمند عبدالله دشتی به تحقیق آن نشسته و استاد ارجمند حاتمی طبری با قلم شیوای خود آن را به فارسی برگردان نموده است. ضمن تقدیر و تشکر از زحمات ایشان، امید است این اثر نیز همچون دیگر آثار این مرکز مورد توجه ارباب فکر و اندیشه قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه کلام و معارف



بی‌شک، وحدت و کنار گذاشتن اختلافات، هدف هر مسلمانی است که در اندیشه خیرخواهی برای اسلام و جوامع اسلامی باشد. البته وحدت به معنای زدودن تمام تفاوت‌های موجود در جوامع اسلامی نیست، بلکه معنای آن، تفاهم و نزدیکی دیدگاه‌ها بین جوامع مختلف و متفاوت موجود در دایره کلی اسلام است؛ به گونه‌ای که هر جمعیت و طایفه‌ای، عنوان کلی اسلام را بر دیگر طوایف منطبق بداند. بنابراین، مطرح کردن مباحثی که در آن، از موارد اختلاف یا از طوایفی یاد شود که دستخوش اختلاف با یکدیگر هستند، لزوماً به معنای برافروختن شعله کینه و دشمنی نیست، بلکه گاه، ممکن است کاملاً بر عکس و در جهت محکم کردن پایه‌های محبت و دوستی در میان همان گروه‌های جدا از هم باشد. این امر مبتنی بر دو اصل کلی (در ذهن افراد) است:

اول اینکه این افراد، همه برادران مسلمان من هستند که باید تمام محبت قلبی خود را تشارشان کنم.

دیگر اینکه آنها نیز برای اعتقادات خود دلیلی دارند که پیش خودشان پذیرفتنی است و باید به رأی و دیدگاهشان، هر چند نزد من باطل باشد، احترام بگذارم.

نتیجه اینکه در هر اختلاف و تفاوتی، نکته مهم و مطلوب، عمل به سخن خدای متعال است که می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ و هر همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. (آل عمران: ۱۰۳) و این سخن که ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود. (انفال: ۴۶).

کسی نمی‌تواند منکر این حقیقت شود که اختلاف دیدگاه در میان مسلمانان هست و این، واقعیتی انکارناپذیر است. قرآن نیز بر این مسئله تصریح کرده که قیوام زندگی بشر بر وجود چنین اختلافاتی است:

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ۖ إِلَّا مَن رَّجِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ (هود: ۱۱۸ و ۱۱۹)

و اگر پروردگار تو می‌خواست، همانا همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلافند؛ مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم کرده، و برای همین آنان را آفریده است. و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که] «الْبَتَّةَ جَهَنَّمَ را از جن و انس یکسره پر خواهم کرد».

این امر نه تنها در میان دو یا چند طایفه، بلکه در میان افراد یک طایفه نیز ممکن است وجود داشته باشد و حقیقتی است که آن را در زندگی اجتماعی، آشکارا می‌بینیم و لمس می‌کنیم.

مشکل مهمی که می‌خواهیم بر آن تمرکز کنیم، این است که وقتی یکی از طرفین معتقد باشد هیچ مجالی برای نزدیک شدن به افکار و عقاید دیگران نیست و پا را از این هم فراتر نهد و طرف مقابل را - که فرض بر این است دست کم، در نام مسلمانی و زندگی در جامعه اسلامی با او شریک است - خارج از دایره دین بداند و برای اخراج او از امت اسلام چوب تکفیر بردارد. در این صورت، جایی برای تحقق وحدت باقی نخواهد ماند و اینجاست که شیطان در گیرودار نزاع و ستی - با تمام خطرهای و نتایج نابودکننده‌ای که برای اسلام دارد - سر بر می‌آورد.

وجود این گروه و افکار و برانگیزان، امت را به سوی درگیری و حتی جنگ و کشتار داخلی می‌کشاند و زمینه مهم و اساسی را برای مداخله بیگانگان فراهم می‌کند؛ همان چیزی که امروزه آن را لمس می‌کنیم. دردها و مصیبت‌هایی که همین افکار برای امت اسلام به بار آورده و همه امت را در بر گرفته است، به گروه خاصی اختصاص ندارد. اینجاست که باید از سخن خدای تعالی عبرت گرفت که می‌فرماید:

هُوَ أَتَقْوُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿انفال: ۲۵﴾

و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است.

البته این امت همواره فرزندان مخلصی داشته است که دغدغه رفع مشکلات را داشته و در راه انتشار روح دوستی و محبت بین ممالک و طوایف اسلامی مختلف تلاش کرده‌اند.

ما معتقدیم که اولین گام در راه تحقق وحدت در برابر اندیشه‌های این دسته تکفیری، توضیح این نکته است که آنان در این راه به خطا رفته‌اند. این چکیده خیرخواهی ما و هدفی است که از نگاشتن این سطور داریم.

درست است که می‌توان بسیاری از مشکلات مخالفت و اختلاف میان مسلمانان را از راه دعوت به وحدت اسلامی و دوستی و برادری میان مسلمانان و برگزاری کنفرانس‌های مبارک در این راستا حل و فصل کرده؛ با این حال، گمان نمی‌کنم که [اکتفا کردن به] چنین دعوت‌ها و چنین کنفرانس‌هایی در برابر اقدامات این گروه تکفیری چندان ثمربخش باشد؛ زیرا دعوت به وحدت و دوستی و مقابله با دشمن مشترک، با کسی که تو را تکفیر می‌کند و مشرک می‌داند، چه فایده‌ای خواهد داشت؟ گویا زبان حال چنین شخصی این است که: آیا از من می‌خواهید دست در دست شما بگذارم، درحالی که شما در نظر من برجسته‌ترین مصداق‌های کفر و شرک هستید؟ آیا برای مقابله با کافری، دست در دست مشرکی بگذارم؟ خطری از این دست را جز با تبیین نقاط ضعف دیدگاه آنان درباره کفر و ایمان و شرک و توحید نمی‌توان برطرف کرد.

خلاصه اینکه کمین‌گاه خطر که جوامع اسلامی را تهدید می‌کند، تنها وجود اختلاف نیست که بر عکس، وجود اختلاف، نشان از حالتی طبیعی دارد و باید هم وجود داشته باشد. کمین‌گاه خطر تنها گروه‌های انحصارطلبی هستند که می‌خواهند دیدگاه خاص خود را بر دیگرانی که با آنها در یک جامعه زندگی می‌کنند، تحمیل کنند.

خطرناک‌ترین کارشان نیز این است که همه کسانی را که در برخی دیدگاه‌ها با آنان مخالف هستند، کافر و خارج از دین اسلام تلقی می‌کنند. آن‌هم نه تنها کفر که کفر به تنهایی، چیز ساده‌ای است؛ زیرا یکی از انواع آن، کفر اهل کتاب است که اسلام به آنها پناه داده [و آنان را اهل ذمه خوانده است] و یهودیان و مسیحیان این گونه‌اند.

با این حال، بدترین و خطرناک‌ترین نوع تکفیر آن است که انسان به خود جرئت دهد و مسلمانی را که شهادتین می‌گوید، مشرک بداند؛ زیرا شرک به خداوند، بدترین گمراهی است که می‌تواند دامن گیر بشر شود. خداوند متعال نیز فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ (نساء: ۴۸)

به یقین خدا، این [گناه] را که به او شرک ورزیده شود، نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد، می‌بخشاید و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین، دروغی بافته و گناهی بزرگ مرتکب شده است.

موضوع خطرناک‌تر این است که [این گروه] هر کس را به کفر از نوع شرک متهم کنند، بی‌درنگ حکم هدر شدن خون و مباح شدن مال وی را صادر می‌کنند.